تحقیقات مالی اسلامی

Journal of

Islamic Finance Researches

Narrative of the Study of Credit Management Policies in the Islamic Banking Industry (The Case Study of Small and Medium Businesses)

Author: Seyed Mohammad Sadr Tabatabaei* | Mohammd Solgi

Stable URL: https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246308.1890

روایت پژوهی سیاست‌های هدایت اعتبار در صنعت بانکداری اسلامی (موردمطالعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط)

نویسندگان: سید محمد صدرطباطبایی* | محمد سلگی

پیوند دائمی: https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246308.1890

Copyright 2025 The Author(s).
Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.
This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Print ISSN: 2551-8290 **Online ISSN: 2588-6584**

Islamic Finance Researches

Vol. 14 | Isuue 1 | Serial 31 | Autumn 2024 | Pages 115 - 150
Research Paper | Recived: 2024/05/18 | Accepted: 2025/02/01
10.30497/ifr.2025.246308.1890

Narrative of the Study of Credit Management Policies in the Islamic Banking Industry (The Case Study of Small and Medium Businesses)

Seyed Mohammad Sadr Tabatabaei: M.A in Financial Management, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
m.sadrtabatabaei@cbi.ir | 0009-0002-1055-6734

Mohammd Solgi: Faculty Member, Islamic Financial Management Department, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.
kpmsolgi@ihu.ac.ir | 0000-0002-8635-631X

Abstract

1 .Introduction and Objective

Credit guidance in financing small and medium-sized businesses (SMBs) plays a pivotal role in transforming and strengthening the production sector of any country. In the context of Iran, despite the presence of sufficient liquidity in the economy, the inability to channel credit effectively towards productive activities remains a key challenge. Without understanding and addressing the causes behind this misdirection, sustainable industrial growth cannot be achieved.
The main objective of this study is to investigate the mechanisms, challenges, and policy solutions for credit guidance in financing SMBs in Iran. The research specifically focuses on the Islamic banking industry, aiming to identify structural, behavioral, and perceptual barriers faced by the key actors involved in financing SMBs.

2 .Methods and Materials

This study adopts a **problem-oriented narrative research method**, chosen for its suitability in analyzing complex, dynamic, and multi-actor economic issues. Given the evolving nature of the research problem, the **three-layer analysis technique** was applied to dissect the situation at three levels:

1) **Perceptions** of the main actors,
2) **Institutional and regulatory structures**,
3) **Observed behaviors** within the credit allocation system.

The research employed a **purposeful sampling strategy of the judgment type**, selecting representative participants from each group of stakeholders in the banking and production sectors. Data were validated through **focus group discussions**, ensuring that multiple perspectives were captured and cross-verified. The final narrative of

the problem was constructed based on the integration of these analyses.

3 .Research Findings

The analysis revealed a set of interconnected obstacles hindering effective credit guidance towards SMBs, including:

- Inefficiencies in the banking system's credit evaluation and risk assessment mechanisms,
- Overbearing governmental financial control over the banking sector,
- The prevalence of mandatory loan allocations that reduce operational flexibility, and
- Structural misalignments between monetary policy objectives and production sector needs.

Moreover, the three-layer analysis uncovered differing viewpoints among stakeholders:

- **Producers** seek economic stability and predictable financing conditions but often encounter bureaucratic and risk-averse banking processes.
- **Banks** tend to prefer low-risk lending to larger, established firms, seeing SMBs as financially unstable.
- **Regulators** emphasize the socio-economic benefits of SMB credit allocation but often lack adequate oversight mechanisms to ensure effectiveness.

4 .Discussion and Conclusion

The study confirms that the credit guidance system in Iran's Islamic banking industry is constrained by both structural inefficiencies and conflicting stakeholder priorities. Without targeted reforms, the misalignment between banking operations and production needs will persist, undermining industrial growth and employment opportunities.

Based on the findings, the following policy recommendations are proposed:

1) **Strengthen banking sector resilience** by improving capital adequacy ratios and asset quality.
2) **Review and rationalize mandatory credit facilities** to ensure better alignment with production priorities.
3) **Reduce the government's financial dominance** over the banking network, promoting alternative and sustainable financing channels.

4) **Enhance the efficiency of the credit facilitation system** through modernized evaluation and monitoring tools.
5) **Balance monetary policy objectives with production sector needs**, ensuring inflation control while preventing financing bottlenecks for SMBs.

These measures, if implemented collectively, could create a more equitable, efficient, and sustainable credit allocation system in the Islamic banking sector, ultimately supporting the growth and competitiveness of SMBs in Iran.

5. Keywords
Financing; Small and Medium Businesses; Credit Guidance; Problem-Oriented Research Narrative.

8. JEL Classification: O20, H10, G40, G29,G28, E70, E62, E58.

سال چهاردهم | شماره اول | پیاپی ۳۱ | پاییز ۱۴۰۳ | صفحات ۱۱۵ - ۱۵۰
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳
مقاله مدت ۴۱ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

روایت پژوهی سیاست‌های هدایت اعتبار در صنعت بانکداری اسلامی (موردمطالعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط)

سید محمد صدرطباطبایی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران/ پژوهشگر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.sadrtabatabaei@cbi.ir
محمد سلگی: عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. kpmsolgi@ihu.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

هدایت اعتبار نقش مهمی در تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) و تقویت بخش تولید کشور دارد. بی‌توجهی به این موضوع باعث می‌شود علیرغم وجود نقدینگی کافی، منابع مالی به سمت تولید هدایت نشود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی سیاست‌های هدایت اعتبار در تأمین مالی SMEs در ایران، با تمرکز بر صنعت بانکداری اسلامی و از رهگذر روش روایت‌پژوهی مسئله‌محور است.

۲. مواد و روش‌ها

این مطالعه از روش روایت‌پژوهی مسئله‌محور استفاده کرده است. برای تحلیل عمیق‌تر، فن تحلیل سه‌لایه‌ای (LFA) به‌کار گرفته شد تا انگاره‌ها، ساختارها و رفتارهای کنشگران اصلی شناسایی شود. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند قضاوتی انجام گرفت و گروه‌های مختلف کنشگران انتخاب شدند. سپس داده‌ها از طریق گروه کانونی اعتباربخشی شدند تا صحت و جامعیت تحلیل افزایش یابد.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان داد که میان کنشگران اصلی در حوزه هدایت اعتبار، گره‌های متعددی در سطح انگاره‌ها، ساختارها و رفتارها وجود دارد که مانع تخصیص کارای منابع به SMEs

می‌شود. همچنین مشخص شد که سیاست‌های تکلیفی و سلطه مالی دولت بر شبکه بانکی از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت در هدایت اعتبار هستند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها، برای بهبود عملکرد نظام بانکی و پولی در حمایت از SMEs، اقداماتی همچون مقاوم‌سازی شبکه بانکی، بازنگری در تسهیلات تکلیفی، کاهش سلطه مالی دولت، افزایش بهره‌وری نظام تسهیلات‌دهی و ایجاد تعادل میان سیاست‌های پولی و حمایت از تولید ضروری است. این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های کارآمد هدایت اعتبار کمک کند.

واژگان کلیدی: تأمین مالی؛ کسب‌وکارهای کوچک و متوسط؛ هدایت اعتبار؛ روایت‌پژوهی مسئله‌محور.

مقدمه

در حال حاضر، پارادوکسی در کشور وجود دارد و آن اینکه علی‌رغم افزایش روزافزون نقدینگی در نظام اقتصادی، بنگاه‌های کشور با تنگنای نقدینگی روبه‌رو هستند. این وضعیت نشان می‌دهد که با وجود حجم نقدینگی حدود ۹۰۷۰[1] هزار میلیارد تومان، این منابع نمی‌توانند به‌طور مؤثر در رونق تولید نقش‌آفرینی کنند. بررسی چالش‌های تولید در ایران حاکی از آن است که تأمین مالی همچنان از اصلی‌ترین مشکلات این حوزه به شمار می‌رود (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳). بررسی وضعیت نقدینگی موجود از پیچیدگی‌هایی برخوردار است که بخشی از آن به ذات عملیات سیستم بانکی مربوط می‌شود.

یکی از دلایل تنگنای نقدینگی، ناسالم بودن بخشی از نقدینگی موجود است. از جمله عوامل آن، ناترازی معادله دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌هاست؛ به این معنا که دارایی بسیاری از بانک‌های ایران پاسخ‌گوی تعهدات موجود آن‌ها، که عمدتاً بدهی بابت سپرده‌های سپرده‌گذاران است، نیست. در چنین شرایطی، بانک ناچار است برای رفع این ناترازی از بازار بین‌بانکی استقراض کند یا به سپرده‌گذاران سایر بانک‌ها نرخ سود بالاتری پیشنهاد دهد. اگر در این دو مسیر با محدودیت مواجه شود، راهی جز اضافه‌برداشت از بانک مرکزی ندارد (مؤمن‌زاده و تقی‌نتاج، ۱۴۰۱).

بررسی‌های بانک جهانی و مؤسسه تأمین مالی بین‌المللی نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد پایین، بیش از نیمی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با محدودیت تأمین مالی مواجه هستند و در این کشورها مسئله تأمین مالی این بنگاه‌ها حادتر است (جوادی، ۱۳۹۵).

اما مسئله اصلی این است که چرا نقدینگی، علی‌رغم تأکید سیاست‌های کلی کشور، به سمت تولید هدایت نمی‌شود؟ شکل‌گیری و توسعه تولید مستلزم وجود سه دسته عوامل و پیش‌نیاز است: نهاده‌ها، فناوری و نهادها. نهاده‌ها، که ظرفیت بالقوه و خام اقتصاد را تعیین می‌کنند، عمدتاً شامل نیروی انسانی و منابع طبیعی‌اند. فناوری به قابلیت‌های فنی، شناخت فنون کارای تولید و توانایی به‌کارگیری آن‌ها اشاره دارد.

---

۱. آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در شهریور ماه ۱۴۰۳.

ملزومات نهادی شامل زمینه‌ها و مقدماتی است که برخلاف دو مورد اول، جنبه فنی و مادی ندارند و به سازمان‌دهی روابط انسانی و قواعد تعامل بین افراد و گروه‌ها مربوط می‌شوند. عواملی نظیر نظام حکمرانی، فرهنگ و آداب‌ورسوم، نظام حقوقی و قوانین، میزان پایبندی به آن‌ها و نحوه اجرای‌شان، نظام ارتباط بین کردارها و پاداش‌ها، قدرت سازمان‌دهی تولید و البته پول، از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی به شمار می‌آیند (درودیان و سبحانی، ۱۳۹۵).

در پاسخ به این پرسش، تحقیقات متعددی انجام شده است که به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست (رائیجی یانسری، ۱۳۹۹؛ خاندوزی و مقیسه، ۱۳۹۷؛ نادران، ۱۳۸۳؛ Bing, X., Shenghong, ؛afi Dastjerdi, D., Tayebi, K., & Elahi, N., 2021 Zh., & Xiaohui, 2020؛Jacab, Z., & Kumhof, 2015؛ Basu, 2006) بر نظام بانکی متمرکز بوده‌اند و دسته دوم به موضوع تولید و اشتغال پرداخته‌اند (درودیان و سبحانی، ۱۳۹۵؛ دیواندری، زالی و کولوبندی، ۱۳۸۸؛ نوفرستی، ۱۳۸۴؛ Hart, M. and E. Hanvey, 1995؛ North, D. and D. Smallbon, 1995).

خلأ این تحقیقات را می‌توان در اتخاذ رویکرد کمی، تمرکز بر داده‌های تاریخی و بی‌توجهی به بررسی دیدگاه و رفتار کنشگران و کنش‌پذیران مختلف دانست. در نتیجه، انجام پژوهشی تجربی و عمیق با روشی نو ضرورت دارد. نتایج این تحقیق می‌تواند به کنشگران مختلف حوزه تأمین مالی، شامل دولت، بانک‌ها، تولیدکنندگان و سایر واسطه‌ها، برای درک بهتر شرایط، اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مناسب و اصلاح رفتارهای گذشته کمک کند.

بر این اساس، هدف این پژوهش روایتی، استخراج روایت‌های موجود در زمینه هدایت اعتبار به سمت تولید در بنگاه‌های کوچک و متوسط و تحلیل لایه‌ای علل ضعف در این حوزه است. در این پژوهش، به روایت‌های حاکم بر تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، دلایل شکست سیاست‌ها و تجربه‌های موفق پرداخته خواهد شد.

۱. مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

به‌سادگی می‌توان دریافت که روابط پولی، و رابطه میان بانک مرکزی و بانک‌های تجاری ـ که بخش عمده خلق نقدینگی را برعهده دارند ـ مشابه سازوکاری است که در تمام نظام‌های بانکی جهان کارکرد دارد. این سازوکار بر اساس قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ تنظیم شده که از بهترین قوانین تخصصی کشور به‌شمار می‌رود.

اما پرسش این است که چرا برخی بنگاه‌ها دچار کمبود نقدینگی می‌شوند؟ آدام اسمیت در قرن هجدهم این پرسش را مطرح و دو پاسخ برای آن ارائه کرد (طبیبیان، ۱۳۹۹):

الف) بنگاه کالا یا خدمتی تولید می‌کند که خریدار ندارد.

ب) بنگاه سابقه اعتباری نامطلوبی دارد و هیچ بانکی حاضر به پرداخت وام به آن نیست.

در ایران، علاوه‌براین دو دلیل، عوامل دیگری نیز در کمبود نقدینگی بنگاه‌ها مؤثر است:

الف) یک بنگاه در زمان افتتاح در بهترین وضعیت خود قرار دارد، اما از آن پس معمولاً در مسیر تنزل قرار می‌گیرد؛ مگر آنکه در مقاطعی منابع جدید به آن تزریق شود.

ب) بنگاه‌ها برای دسترسی به اعتبار، بر اساس قوانینی از جمله قانون بانکداری بدون ربا، باید فرآیندی پیچیده، زمان‌بر، همراه با کاغذبازی و هزینه‌های بالا را طی کنند. همچنین تعیین نرخ بهره پایین‌تر از نرخ تورم برای مدت طولانی، که از ابتدای شکل‌گیری نظام بانکی تاکنون ادامه یافته، منجر به شکل‌گیری رانت در دریافت تسهیلات شده است.

در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که چه سیاستی باید در برابر این واقعیت اتخاذ کرد که اکثر اعتبارات بانکی دیگر به شرکت‌های غیرمالی اختصاص نمی‌یابد، بلکه صرف خریدوفروش املاک، مستغلات و دارایی‌های مالی می‌شود؟ یکی از گزینه‌ها، تدوین سیاست‌های هدایت اعتبار با هدف تخصیص اعتبارات بانکی به

بخش‌های مولد و جلوگیری از هدایت آن به بخش‌های نامولد است. همان‌طور که شومپیتر و کینز بیان کرده‌اند ـ و مطالعات تجربی اخیر نیز تأیید کرده است ـ وام بانکی، کلید رشد اقتصادی است؛ اما در شرایط عدم قطعیت، می‌تواند به همان میزان موجب شکل‌گیری حباب‌های مالی و بروز بحران شود (رائیجی یانسری، ۱۳۹۹).

بانک‌های توسعه‌ای یکی از ابزارهایی هستند که بسیاری از کشورها برای مقابله با این مشکل به‌کار گرفته‌اند. این بانک‌ها مؤسساتی مالی‌اند که سرمایه را با شرایط مناسب تجهیز می‌کنند تا در فعالیت‌های تولیدی، چه به‌طور مستقل، چه مشترک با دیگران، و چه از طریق حمایت مالی، سرمایه‌گذاری کنند؛ این اقدامات در راستای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور انجام می‌شود.

در این پژوهش تلاش شده است علل عدم هدایت اعتبار به سمت تولید در ایران، با رویکرد ارائه راه‌حل و شناسایی نقاط مشترک الگوهای موفق، بررسی شود. از دیگر تمایزات این تحقیق با پژوهش‌های پیشین، پرداختن به کنشگران اثرگذار متعدد و اتخاذ نگاه کل‌گرا به مسئله است. در روایت‌گری این پژوهش، به نگاه کل‌گرا، بازخوردهای مسئله، بازخوردهای پنهان و بررسی آن در طول زمان ـ به‌ویژه در آینده ـ توجه شده است.

۱-۲. مفهوم و تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط

با توجه به تفاوت شرایط اجتماعی – اقتصادی، درجه توسعه‌یافتگی، تحولات فناورانه، حجم سرمایه‌گذاری و میزان تولید در کشورهای مختلف، تعریف صنایع کوچک و متوسط نیز در میان کشورها و مناطق جهان متفاوت است. شاخص‌هایی که معمولاً در تعریف این صنایع به‌کار می‌روند شامل تعداد کارکنان، میزان سرمایه، دارایی کل، حجم فروش و ظرفیت‌های تولیدی است.

در ایران، تنها معیار دسته‌بندی بنگاه‌های کوچک و متوسط، میزان اشتغال است. بر اساس طبقه‌بندی وزارت صنعت و بانک مرکزی، بنگاه‌هایی با کمتر از ۵۰ نفر کارکنان در گروه صنایع کوچک، بنگاه‌هایی با ۵۰ تا ۱۵۰ نفر کارکنان در گروه صنایع متوسط، و

بنگاه‌هایی با بیش از ۱۵۰ نفر کارکنان در گروه صنایع بزرگ صنعتی قرار می‌گیرند (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۳۹۹).

۱-۲. اهمیت و تأثیر فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط بر شاخص‌های مهم اقتصادی

برای تبیین جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد، می‌توان مهم‌ترین کارکردهای آن‌ها را بررسی کرد.

۱-۲-۱. نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اشتغال

در عمل، درصد بالایی از نیروی کار هر کشور در بنگاه‌های کوچک و متوسط فعالیت می‌کنند و همین امر دلیلی کافی برای حساسیت بالای دولت‌ها نسبت به عملکرد این بنگاه‌هاست. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، ظرفیت بالای این بنگاه‌ها در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و جذب نیروهای بیکار است. این سازوکار منجر به تعدیل نرخ بیکاری می‌شود. بر اساس آمار کمیسیون اروپا، ۸۰ درصد از فرصت‌های شغلی جدید در اتحادیه اروپا طی پنج سال منتهی به ۲۰۱۲ توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شده است (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴).

۱-۲-۲. نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در هدایت بخش غیررسمی به بخش مولد اقتصاد

گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط، همراه با افزایش هزینه فعالیت‌های غیرمولد و کاهش هزینه فعالیت‌های مولد، می‌تواند سهم فعالیت‌های غیرمولد را در اقتصاد کاهش دهد. برای تحقق این هدف، نخستین گام ایجاد شفافیت اطلاعاتی است. در فضای فاقد شفافیت، برنامه‌ریزی اقتصادی دشوار می‌شود و به دلیل آثار مثبت متعدد شفافیت اقتصادی در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی واقعی، لازم است این موضوع با جدیت بیشتری پیگیری شود (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴).

۱-۲-۳. نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در تجمیع پس‌اندازهای خرد

ایجاد کانال‌های متنوع و کارآمد برای هدایت پس‌اندازهای خرد به سمت تولید، یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی است. بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند

با تجمیع این پس‌اندازها، زمینه تزریق منابع مالی خرد به بخش تولید را فراهم کنند (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴).

۲-۲. جایگاه بانک در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط

به‌طور کلی، تأمین مالی از منابع داخلی زمانی امکان‌پذیر است که بنگاه‌ها از مرحله کوچک و متوسط عبور کرده باشند و به مرحله‌ای برسند که مازاد منابع (سرریز سرمایه) داشته باشند. در خصوص تأمین مالی از منابع خارجی نیز باید گفت که روش‌هایی مانند فاینانس، یوزانس، اعتبار خرید، تجارت متقابل و سایر شیوه‌های مشابه، عمدتاً به بنگاه‌هایی اختصاص دارد که صرفاً با هدف صادرات فعالیت می‌کنند و اساساً در زمره روش‌های حمایت از صادرات و بنگاه‌های صادراتی قرار می‌گیرند. برخی روش‌ها نیز صرفاً زمانی تعریف می‌شوند که بنگاه توان ایجاد بدهی‌های کلان را داشته باشد؛ از جمله می‌توان به انتشار اوراق بهادار اشاره کرد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که همه بنگاه‌ها از این روش‌ها بهره‌مند شوند.

در نتیجه، روش‌هایی که بر حمایت دولت و دریافت تسهیلات بانکی متکی‌اند، برای بنگاه‌های کوچک و متوسط مناسب‌تر هستند. به بیان دیگر، این بنگاه‌ها در میان روش‌های متنوع تأمین مالی، گزینه‌های محدودی در اختیار دارند و عمدتاً به منابع بانکی وابسته‌اند. پرسش اساسی این است که در میان انواع بانک‌های فعال در بازار بانکی، کدام نوع بانک برای همکاری بیشتر با بنگاه‌های کوچک و متوسط مناسب‌تر است؟

بانک توسعه‌ای، بانکی است که علاوه بر انجام وظایف اعتباری، مأموریت‌های توسعه‌ای نیز بر عهده دارد. مهم‌ترین وظیفه این بانک‌ها، تجهیز منابع مالی نسبتاً ارزان در میان‌مدت و بلندمدت برای اجرای طرح‌های اقتصادی است. بانک‌های توسعه‌ای یا تخصصی، مجری سیاست‌های اقتصادی دولت در بخش‌های مختلف بوده و با برنامه‌ریزی دقیق، منابع مالی جمع‌آوری‌شده را در بخش‌های هدف توزیع می‌کنند. این بانک‌ها با هدف تحقق اهداف اقتصادی ـ اجتماعی در یک منطقه، کشور، یا حتی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شوند و به‌عنوان ابزاری مهم برای دولت‌ها در جهت افزایش

رشد اقتصادی از طریق اعطای اعتبار، ضمانت سرمایه‌گذاری، ارائه خدمات مالی، مشاوره‌ای و ظرفیت‌سازی، برای مؤسساتی که نمی‌توانند پروژه‌های توسعه‌ای خود را از طریق بازار سرمایه یا بانک‌های تجاری خصوصی تأمین کنند، عمل می‌کنند (اختیاری، ۱۳۹۶).

۲-۳. وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران

آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران در دو شاخص «سهم اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل اشتغال» و «سهم ارزش‌افزوده این بنگاه‌ها از کل ارزش‌افزوده اقتصاد» نشان می‌دهد که به‌جای حرکت به سمت توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، تمرکز بر تقویت بنگاه‌های بزرگ بوده است.

نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که تعداد کارکنان این کارگاه‌ها ۱٬۸۰۳٬۸۱۱ نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۷ (۱٬۷۳۳٬۷۸۹ نفر) رشدی معادل ۴ درصد داشته است. از این تعداد، ۷/۲۵ درصد مربوط به کارگاه‌های صنعتی فعال با ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و ۳/۷۴ درصد مربوط به کارگاه‌های صنعتی فعال با ۵۰ نفر کارکن و بیشتر بوده است. همچنین، کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۹۸ ارزشی معادل ۴٬۲۰۱٬۶۳۰ میلیارد ریال ارزش‌افزوده ایجاد کرده‌اند که نسبت به سال ۱۳۹۷، رشدی برابر با ۳/۴۸ درصد داشته است. از این رقم، ۳/۱۵ درصد مربوط به کارگاه‌های ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و ۷/۸۴ درصد مربوط به کارگاه‌های ۵۰ نفر کارکن و بیشتر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

بر اساس نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران در بهار ۱۴۰۱، شاخص ملی این محیط ۰۷/۶ (در مقیاس ۱۰ به‌عنوان بدترین ارزیابی) محاسبه شده است که تا حدودی نسبت به فصل گذشته (زمستان ۱۴۰۰) با میانگین ۸۳/۵، نامساعدتر بوده است. در بهار ۱۴۰۱، فعالان اقتصادی شرکت‌کننده در این پایش، سه مؤلفه زیر را به‌عنوان نامناسب‌ترین بخش‌های محیط کسب‌وکار کشور معرفی کرده‌اند:

۱. غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات؛

۲. بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار؛

۳. دشواری تأمین مالی از بانک‌ها.

همچنین بر اساس این پایش، در بهار ۱۴۰۱ وضعیت محیط کسب‌وکار در بخش خدمات (۱۲/۶) در مقایسه با بخش‌های کشاورزی (۹۴/۵) و صنعت (۹۱/۵) نامناسب‌تر ارزیابی شده است. نتایج به تفکیک تعداد کارکنان شاغل نیز نشان می‌دهد که بنگاه‌های با کمتر از ۵ نفر کارکن (۱۸/۶) بدترین وضعیت و بنگاه‌های دارای بیش از ۲۰۰ نفر کارکن (۸۶/۵) بهترین وضعیت محیط کسب‌وکار را نسبت به سایر بنگاه‌ها داشته‌اند (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۱).

۲-۴. عدم پوشش بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط بانک‌ها

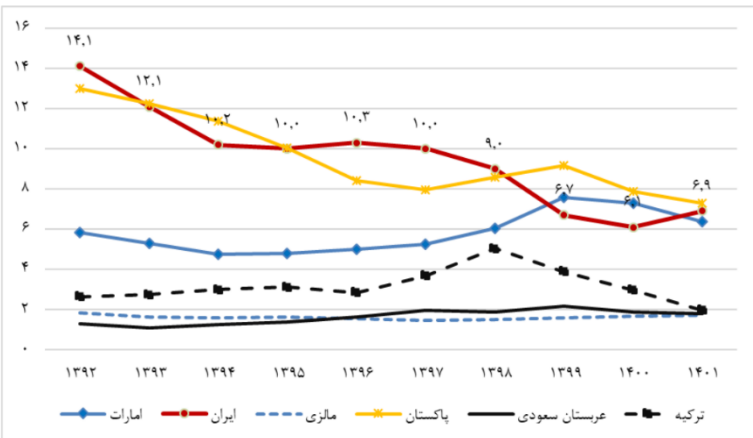
احکام پولی و اعتباری متعددی در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین بودجه سنواتی برای اقتصاد ایران تدوین و تصویب شده است که، از یک‌سو، سازگاری آن‌ها با اهداف سیاست پولی (مانند ثبات قیمت‌ها، رشد پایدار اقتصادی و پایداری تراز پرداخت‌ها) را مخدوش کرده و، از سوی دیگر، روابط علّی این احکام در حوزه‌های مختلف پولی ـ اعتباری (تولیدی، خدماتی، اجتماعی، زیرساختی و رفاهی) اغلب در تضاد با یکدیگر قرار دارند.

این احکام و تبصره‌های پولی – اعتباری، با اهدافی همچون رشد اشتغال اقشار آسیب‌پذیر، بهبود قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد، تسهیل ازدواج جوانان، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید در بخش‌های کشاورزی، صنعت و ساختمان، ارتقای ظرفیت زیرساخت‌های اقتصادی، جبران خسارات بلایای طبیعی در بخش‌های خانگی و تولیدی و... بخشی از تسهیلات تکلیفی شبکه اعتباری کشور را تشکیل می‌دهند. این تکالیف، به همراه تعهدات ناشی از قوانین دیگری همچون «قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (ماده ۳۶)»، «قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی» (گندم، برنج، جو، ذرت، چغندر، آفتابگردان، پنبه، دانه‌های روغنی، چای، سیب‌زمینی، پیاز و حبوبات)، «قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران»، «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، «قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری»، «قانون تسهیل ازدواج جوانان»، «قانون

حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، «تسهیلات فرزندآوری» و «ماده ۶۸ تسهیلات ازدواج»، مستقیماً بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحمیل می‌شوند.

این تکالیف پیامدهایی نظیر اضافه‌برداشت بانک‌ها، ناترازی ترازنامه‌ها، کاهش سهم منابع قابل‌تصرف بانک‌ها و کاهش ظرفیت بالفعل تسهیلات‌دهی با اهداف تولیدی را به همراه دارد.

از دیگر کژکارکردی‌های نظام بانکی، می‌توان به نسبت بالای مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی اشاره کرد. در استانداردهای بین‌المللی، این نسبت بین ۲ تا ۵ درصد تلقی می‌شود و معوقات بیش از ۵ درصد به‌عنوان ریسک پرخطر ارزیابی می‌شود. نمودار (۱) این نسبت را در سایر کشورهای اسلامی نشان می‌دهد. شایان ذکر است که بانک‌ها اغلب بیش از ظرفیت سرمایه و کفایت سرمایه خود، تسهیلات اعطا می‌کنند، نه برای توسعه و ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، بلکه برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های بزرگ اقتصادی. این اقدام، به‌ویژه در شرایط انتظارات تورمی بالا، گاهی منجر به انحراف تسهیلات اعطایی و صرف آن در خرید اوراق دولتی می‌شود. با وجود اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط، شواهد نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها همچنان به خدمات و محصولات مالی دسترسی کافی ندارند. علت اصلی، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های بالای گردآوری اطلاعات لازم برای ارزیابی اعتبار وام‌گیرندگان از سوی بانک‌هاست.



نمودار (۱): مقایسه نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات در کشورهای مختلف اسلامی (درصد)

منبع: (World Bank, 2023)

۳. پیشینه تحقیق

قباشی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه هدایت اعتبار در تأمین مالی تولید با تأکید بر تجارب کشورهای منتخب» نشان می‌دهد که برای موفق بودن سیاست هدایت اعتبار، توجه به مسائلی مانند تقدم تعیین سیاست توسعه‌ای بر سیاست هدایت اعتبار، توجه به نهاد راهبرد توسعه، در نظر گرفتن هدف توسعه‌ای بانک مرکزی، تقویت بخش نظارتی بانک مرکزی و جذابیت‌زدایی از بخش‌های نامولد اقتصاد بسیار مهم است.

فاطمی زردان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آثار تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی به کمک مدل خودهمبسته با وقفه توزیعی (ARDL) طی بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱» نشان داده است که اثر تسهیلات اعطایی بر متغیرهای رشد اقتصادی، بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها، نقدینگی و موجودی سرمایه مثبت است و بر بدهی بخش دولتی به بانک‌ها معنادار نیست.

رائیجی یانسری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «اثر هدایت اعتبار بر کسب‌وکارهای غیرمالی با استفاده از مدل رگرسیونی و داده‌های تابلویی» به این نتیجه رسیده است که سهم کسب‌وکارهای غیرمالی از کل اعتبار بانک‌ها به‌طور معناداری کاهش یافته است.

خاندوزی و مقیسه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقد برنامه‌های توسعه ایران از نظر ارتباط بخش مالی و واقعی با معرفی چند تجربه جهانی موفق از مدل هدایت اعتبار» و با تکیه بر مبانی نظری فراهم‌آمده توسط افرادی نظیر فرنر، تلاش کرده‌اند رویکرد جایگزینی برای حمایت از تولید توسط بخش مالی ارائه کنند. در این رویکرد، دولت هم‌زمان در متشکل ساختن تولیدکنندگان رقابت‌پذیر در بخش واقعی و هدایت اعتبار بانکی به این تولیدکنندگان در بخش مالی نقش‌آفرینی دارد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که علی‌رغم بانک‌پایه بودن تأمین مالی در ایران در دهه‌های گذشته، جز چند برهه کوتاه، تجربه موفقی در پشتیبانی بخش تولید توسط بانک‌ها و بخش مالی وجود نداشته است.

درودیان و سبحانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در بانکداری اسلامی» به بررسی قابلیت خلق پول بانکی از لحاظ هماهنگی با ارزش‌ها و اهداف اقتصادی پرداخته‌اند. آن‌ها خلق انعطاف‌پذیر پول توسط نظام بانکی را به‌صورت بالقوه امکانی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی

معرفی کرده‌اند، اما میزان تحقق آن را مرتبط با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی می‌دانند.

بینک، شنگونگ و شیائوهویی[۱] (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تأثیر عدم قطعیت نرخ بهره بر تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط» نااطمینانی نرخ بهره تأمین مالی برای شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های مربوط به بیش از ۱۱,۳۰۰ تسهیلات اعطاشده در یکی از مناطق چین طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ میلادی، نااطمینانی نرخ تأمین مالی را اندازه‌گیری کرده است. نتایج نشان می‌دهد که از منظر تأمین‌کنندگان منابع مالی، تسهیلات اعطایی به شرکت‌های کوچک نسبت به وام‌های اجتماعی مستقیم با نااطمینانی بیشتری همراه است.

دیکائو و ولز[۲] (۲۰۲۱م) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست پولی کارآمد در چین؛ هدایت اعتباری و ارتقای وام‌دهی و سرمایه‌گذاری پایدار» با استفاده از روش تحلیلی – توصیفی به این نتیجه رسیده‌اند که به شرط رعایت پیش‌شرط‌ها، سیاست هدایت اعتباری می‌تواند ابزاری برای جهت‌دهی نظام مالی باشد. با این حال، کارایی این سیاست و کنترل مستقیم وام‌دهی با توسعه نهادهای مالی کاهش می‌یابد. همچنین، هنگام استفاده از این سیاست، باید معیارهای موفقیت روشنی تعریف شود تا امکان نظارت بر اساس آن‌ها فراهم گردد.

نترمه[۳] (۲۰۲۲م) در مقاله‌ای با عنوان «نقش تأمین مالی بانک در رشد اقتصادی و پیامدهای زیست‌محیطی در آفریقای جنوبی» با استفاده از مدل خودرگرسیون بردار پنلی، نقش تسهیلات بانکی در رشد اقتصادی کشورهای جنوب صحرای آفریقا را طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ میلادی بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تأمین مالی بانکی رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

---

۱. Bing, Shenghong & Xiaohui
۲. Dikau & Volz
۳. Ntarmah

صفی دستجردی، طیبی و الهی[۱] (۲۰۲۱م) در مقاله‌ای با عنوان «عدم اطمینان نرخ بهره و تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط منتخب پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» با استفاده از برآورد مدل اثرات ثابت در محیط داده‌های تابلویی، به این نتیجه رسیده‌اند که نااطمینانی نرخ سود تسهیلات بانکی اثر منفی و معناداری بر تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد. این یافته بیانگر آن است که افزایش نوسان و نااطمینانی نرخ سود، منجر به ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک اعتباری می‌شود و در نهایت، امکان دریافت تسهیلات بانکی برای حفظ توان تولیدی را کاهش می‌دهد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، **کاربردی** و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، **توصیفی** و از نوع **پیمایشی ـ تحلیلی** است. روایت‌پژوهی به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی، به دنبال کشف شاکله کنشگران است و روایتِ راوی (پژوهشگر) از این شاکله را ارائه می‌کند. به بیان دیگر، روایت یعنی بیان تجربه کنشگران درگیر در یک مسئله پیچیده، بر اساس برداشت و تفسیر راوی (بایرام‌زاده، رضاییان، فرتوک‌زاده و رجبی‌نهوجی، ۱۳۹۶).

سه ویژگی اصلی برای روایت می‌توان برشمرد:

الف) آینه کلیت: تلاش برای مشاهده کل مسئله که اصل ادعای رویکرد سیستمی در مواجهه با مسائل است (Jackson, 2016)؛

ب) آینه بازخورد: پژوهشگر دیدگاه جزئی‌نگر، محدود، کوتاه‌مدت و ایستا را با نگرشی کل‌نگر، گسترده، بلندمدت و پویا جایگزین کرده و سپس سیاست‌ها را با توجه به این تغییر، دوباره طراحی می‌کند (Sterman, 2000)؛

ج) آینه زمان: اغلب کنشگران، به اقتضای منطق کنش مشروعیت‌یافته، از پیامدهای بلندمدت کنش خود غافل می‌شوند و افق‌های زمانی کوتاهی را برمی‌گزینند. یکی از نقص‌های عمده در مدل‌های ذهنی این است که فرض می‌کنیم علت و معلول از نظر زمانی و مکانی به یکدیگر نزدیک‌اند؛ حال آنکه در شرایط پیچیده اجتماعی،

---

۱. Safi Dastjerdi, Tayebi, & Elahi

این دو ممکن است فاصله زیادی داشته باشند. بیشتر اثرهای ناخواسته تصمیم‌هایی که به مقاومت در برابر سیاست‌ها منجر می‌شوند، شامل بازخوردهایی با تأخیرهای طولانی است که از نقطه تصمیم یا علت مشکل فاصله قابل توجهی دارند (Sterman, 2000).

۵. جامعه و نمونه موردبررسی

در این تحقیق جامعه آماری از تأمین مالی شوندگان، تأمین مالی کنندگان و دولت تشکیل شده است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از نوع قضاوتی نمونه آماری برای هر گروه مطابق جدول (۱) به‌دست‌آمده است.

جدول (۱): مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شونده	سابقه کار مرتبط	دسته کنشگران
۱	مدیر کارگاه تولیدی لوازم‌خانگی	۲۵ سال	تولیدکننده
۲	عضو هیئت‌مدیره شرکت تولیدی در حوزه بسته‌بندی	۳۰ سال	تولیدکننده
۳	مدیر کارگاه تولیدی پوشاک	۲۰ سال	تولیدکننده
۴	مدیرعامل شرکت تولیدی مقوا	۳۰ سال	تولیدکننده
۵	مدیر کارگاه تولیدی تجهیزات صنعتی	۲۵ سال	تولیدکننده
۶	مدیر تولیدکننده قالب‌های صنعتی	۲۰ سال	تولیدکننده
۷	مدیر تولیدی فرش ماشینی	۲۷ سال	تولیدکننده
۸	مدیر کارگاه تولیدی مبل	۲۵ سال	تولیدکننده
۹	مدیر اعتبارات بانک خصوصی	۲۵ سال	تأمین مالی کننده
۱۰	کارشناس ارشد بانک خصوصی	۲۰ سال	تأمین مالی کننده
۱۱	مدیر ارشد بانک دولتی	۲۷ سال	تأمین مالی کننده
۱۲	مدیرعامل بانک خصوصی	۲۸ سال	تأمین مالی کننده
۱۳	عضو هیئت‌مدیره بانک دولتی	۲۸ سال	تأمین مالی کننده
۱۴	مدیر ارشد بانک تخصصی	۲۳ سال	تأمین مالی کننده
۱۵	محقق حوزه بانک	۱۷ سال	تأمین مالی کننده

ردیف	مصاحبه‌شونده	سابقه کار مرتبط	دسته کنشگران
۱۶	مدرس حوزه بانک	۲۰ سال	تأمین مالی کننده
۱۷	مدیر ارشد بانک تخصصی	۲۳ سال	تأمین مالی کننده
۱۸	مدیر آموزش و توسعه یک‌نهاد سیاست‌گذار	۲۳ سال	قانون‌گذار
۱۹	مشاور یک‌نهاد سیاست‌گذار	۲۷ سال	قانون‌گذار
۲۰	کارشناس ارشد آموزش و توسعه یک‌نهاد سیاست‌گذار	۱۸ سال	قانون‌گذار
۲۱	معاون نماینده عضو کمیسیون اقتصادی مجلس	۲۴ سال	قانون‌گذار
۲۲	کارشناس ارشد اندیشکده اقتصادی	۱۵ سال	قانون‌گذار
۲۳	کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس	۱۳ سال	قانون‌گذار
۲۴	مشاور اشتغال و کارآفرینی یک نهاد سیاست‌گذار	۱۵ سال	قانون‌گذار

۶. روش و ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه است. مصاحبه می‌تواند به‌صورت ساختارمند و با استفاده از پرسشنامه استاندارد انجام شود، یا غیررسمی و بدون ساختار باشد، و یا رویکردی بینابینی (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۸). مصاحبه‌های این پژوهش از نوع باز و ساختارنیافته بوده و تلاش شده است در طول فرایند مصاحبه، فضایی ایجاد شود تا مصاحبه‌شونده از طریق داستان‌سرایی به تبیین مسئله بپردازد. همچنین، اشباع نظری به‌عنوان معیار توقف فرایند مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول (۲): سؤال‌های مصاحبه

سؤال‌های اصلی	سؤال‌های فرعی
– آیا نظام بانکی در هدایت اعتبار به سمت شرکت‌های کوچک و متوسط دچار کژکارکردی‌های عمده است؟	– کژکارکردی‌های عمده نظام بانکی در هدایت اعتبار به سمت شرکت‌های کوچک و متوسط کدام‌اند؟ – دلایل ایجاد این کژکارکردی‌ها چیست؟ – ایجادکنندگان این کژکارکردی‌ها چه کسانی هستند؟

سؤال‌های اصلی	سؤال‌های فرعی
- راهکارهای برای رفع این کژکارکردی‌ها و حرکت در مسیر توسعه چیست؟	- آیا مصادیقی از موفقیت و شکست در این زمینه وجود دارد؟ - دلایل شکست چیست؟ - علل عدم استمرار برخی موفقیت‌های به‌دست‌آمده کدام‌اند؟

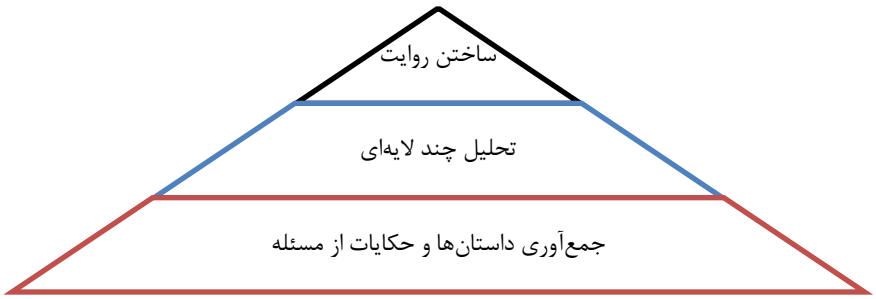
جدول (۳): سؤال‌های مصاحبه به تفکیک کنشگران

سؤال‌های مطرح از تولیدکنندگان
۱) رفتار بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی در حوزه تأمین مالی با شما چگونه است؟
۲) به نظر شما، دلایل این رفتارها چیست و چه ساختارهای معیوبی در این زمینه وجود دارد؟
۳) بانک‌ها و قانون‌گذار چه انتظاراتی از شما دارند و چگونه به شما نگاه می‌کنند؟
سؤال‌های مطرح از تأمین مالی کنندگان
۱) رفتار تولیدکنندگان و دستگاه‌های اجرایی در حوزه تأمین مالی تولید با شما چگونه است؟
۲) به نظر شما، دلایل این رفتارها چیست و چه ساختارهای معیوبی در این زمینه مشاهده می‌کنید؟
۳) تولیدکنندگان و قانون‌گذار چه انتظاراتی از شما دارند و چگونه به شما نگاه می‌کنند؟
سؤال‌های مطرح از قانون‌گذار
۱) رفتار تولیدکنندگان و بانک‌ها در حوزه تأمین مالی با شما چگونه است؟
۲) به نظر شما، دلایل این رفتارها چیست و چه ساختارهای معیوبی در این زمینه وجود دارد؟
۳) تولیدکنندگان و بانک‌ها چه انتظاراتی از شما دارند و چگونه به شما نگاه می‌کنند؟

۶-۱. مراحل اجرای روایت پژوهشی

- جمع‌آوری داستان‌ها و حکایات از مسئله: محقق با کنشگران مسئله در جلسات مصاحبه حضور یافته و داستان‌های افراد درگیر را جمع‌آوری می‌کند (Callahan, J. L., 2010).
- تحلیل چندلایه‌ای: در این مرحله، حکایات در سه سطح «رفتار»، «ساختار» و «انگاره‌ها» تجزیه و تحلیل می‌شوند. لایه نخست جایی است که مسائل ظهور پیدا می‌کنند. لایه دوم، ساختارهای عینیت‌یافته و قواعد نهادی است که بر نمودها، دستاوردها، پیامدها، حوادث و واقعیت‌های انضمامی لایه نخست تأثیر می‌گذارد. لایه سوم، انگاره‌ها و چارچوب‌های ذهنی است (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳).

- ساختن روایت: روایت‌ها به پژوهش‌های کیفی در کسب داده‌های غنی از دل داستان‌ها کمک می‌کنند (Mitchell, & Egudo, 2003). وقتی راوی‌ها داستان تعریف می‌کنند، روایتی از یک تجربه را ارائه می‌دهند، به آنچه رخ داده معنا می‌بخشند و آن را تصویرسازی می‌کنند (Bamberg, 2012).



شکل (۱): مراحل روایت پژوهی
منبع: (بایرام‌زاده و فرتوک‌زاده، ۱۳۹۶)

۶-۲. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

ر پژوهش حاضر، تحلیل روایت بر اساس منطق چندلایه‌ای انجام شده است که در آن رفتار کنشگران در سه سطح «رفتار»، «ساختار» و «انگاره‌ها» تجزیه و تحلیل می‌شود (Riessman, C. K., 2008). این رویکرد به یادگیرنده توانایی می‌دهد تا با گشودن و تحلیل سه لایه‌ای که در زیر سطح ظاهری شرایط قرار گرفته‌اند، لایه‌های مرتبط با معانی عمیق‌تر را رمزگشایی کند .از این فن برای شناسایی علل ریشه‌ای مسائل استفاده می‌شود و جهان‌بینی‌ها، اسطوره‌ها و استعاره‌های سازنده و زیربنایی را آشکار می‌کند (Lederwasch, Mason, Daly, Prior & Giurco, 2011).

فرتوک‌زاده و وزیری (۱۳۹۳) تحلیل چندلایه‌ای را تحت‌عنوان منطق سه‌لایه‌ای فضایی برای کشف، گفت‌وگو و استدلال پیرامون مغالطه‌هایی که در فهم، تفاهم و توافق ایجاد می‌شود، معرفی کرده‌اند. اشکالات موجود در یک پدیدار، معلول ساختارها و انگاره‌هاست؛ بنابراین باید آن‌ها را در دستگاه فکری کنشگران، ایستارها و زیستارهای آنان جست‌وجو کرد. بر اساس استعاره کوه یخ می‌توان نشان داد که چگونه باید بخش بالای کوه یخ را به‌واسطه بخش پایین آن فهمید و بالعکس.



شکل (۲): الگوی چندلایه‌ای

منبع: (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳)

- ✓ لایه نخست، رویه آشکار و واقعیت‌های اجتماعی است؛ جایی که می‌توان کنش‌های بازیگران را مشاهده کرد. با این حال، در پس رفتارها و کنش‌های مشهود، دو لایه مهم دیگر نیز وجود دارد که درک آن‌ها ضروری است.
- ✓ لایه دوم، لایه نیمه‌آشکار است؛ در این سطح، نمودها، دستاوردها، پیامدها، حوادث و واقعیت‌ها از ساختارها و قواعد عینیت‌یافته تأثیر می‌پذیرند. این قواعد نهادی با ایجاد فضایی آکنده از منع و ترغیب، برای کنشگران درون سیستم تنگناها و فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند که می‌توانند هم تعالی‌بخش و هم بازدارنده باشند. کنشگران رفتار خود را با این منع و ترغیب‌ها هماهنگ کرده، از آن مشروعیت کسب می‌کنند و به منابع کمیاب دست می‌یابند. در این میان، «ریل‌های نیمه‌آشکار» وجود دارند که کنشگران، خواسته یا ناخواسته و دانسته یا نادانسته، در آن‌ها قرار می‌گیرند و وابستگی به گذشته را تحکیم می‌بخشند.

- ✓ لایه سوم و پنهان، شامل انگاره‌ها، سوگیری‌ها و مفروضات پایه‌ای است که به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه (اغلب ناخودآگاه و نانوشته) میان کنشگران حامل روایت، مورد توافق جمعی قرار گرفته است (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۳).

۶-۳. اعتبارسنجی

اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش عمدتاً از طریق گروه کانونی انجام شد. هدف نخست از برگزاری گروه کانونی، ایجاد درکی از مسئله خاص براساس نگرش مشارکت‌کنندگان گروه و توصیف و فهم معانی و تفاسیر آنان بوده است.

از منظر روش‌شناسی، گروه کانونی شامل ۶ تا ۸ فرد با پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی مشابه و همچنین تجارب مشترک است (Liamputtong, 2011). گروه کانونی یکی از روش‌های تکمیل شناخت و درک محقق نسبت به مسئله و یافته‌های پژوهش به شمار می‌آید. در این گروه، یافته‌های پژوهش و برداشت محقق از مسئله تکمیل شد. اعضا به تبادل‌نظر، بحث و گفت‌وگو پرداختند و این فرایند تا رسیدن به اجماع ادامه یافت.

جدول (۴) اطلاعات گروه کانونی این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین، در جدول (۴)، قابلیت اعتبار، قابلیت وابستگی، قابلیت انتقال و قابلیت تأیید پژوهش از چهار بعدی که گوبا و لینکلن[۱] (۱۹۸۵م) به‌عنوان معیارهای ارزیابی اعتبار پژوهش کیفی مطرح کرده‌اند، ارزیابی شده است.

جدول (۴): مشخصات گروه کانونی برای تأیید یافته‌ها و تکمیل مفاهیم

ردیف	تخصص	تعداد افراد	میانگین سابقه کار مرتبط	نفر ساعت تخصیص‌یافته
۱	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	۳	۱۵	۲
۲	مشاور تأمین مالی	۳	۲۰	۱
۳	محقق حوزه بانک	۲	۱۸	۲
۴	مدرس حوزه مالی	۲	۲۵	۲
۵	مدیر شرکت تولیدی	۲	۲۸	۱

[۱] Guba و Lincoln

جدول (۵): نتایج ارزیابی اعتبار پژوهش

معیار کیفیت	روش‌های به کارگرفته شده از سوی محققین
قابلیت تأیید	– ثبت و یادداشت جزئیات تمامی مصاحبه‌ها و ضبط اطلاعات برخی از مصاحبه‌ها و جلسات گروه کانونی. – بررسی کیفیت یافته‌ها و تفسیرها در جلسات گروه کانونی. – طرح یافته‌های پژوهش در هر یک از جلسات گروه کانونی و بررسی آن‌ها از نظر قابلیت تأیید.
قابلیت اعتبار	– استفاده از مصاحبه و مشاهده در فرایند جمع‌آوری اطلاعات. – بهره‌گیری از گروه کانونی به‌منظور غنی‌سازی یافته‌های پژوهش و کسب اطلاعات بیشتر درباره متغیرهای پژوهش. – در فرایند مصاحبه، افرادی که متعلق به یک کنشگر واحد بودند، اطلاعات مصاحبه‌های پیشین در مصاحبه بعدی مجدداً بررسی می‌شد.
قابلیت انتقال	– کدگذاری مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری در طول پژوهش و بایگانی تمامی مستندات مصاحبه‌ها و گروه کانونی.
قابلیت وابستگی	– بحث درباره فرایند پژوهش در هر مرحله و انجام اصلاحات لازم در صورت نیاز. – مستندسازی کلیه اطلاعات مربوط به تغییرات و ذخیره آن‌ها در پایگاه داده اختصاصی پژوهش.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. حکایت‌ها

پس از انجام مصاحبه و بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، داستان‌ها و حکایات مرتبط با مسئله پژوهش طبقه‌بندی گردید. نتایج این فرایند در قالب گزاره‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): گزاره‌های مصاحبه

ردیف	گزاره‌های مصاحبه
	تولیدکنندگان
۱	بانک‌ها هیچ علاقه‌ای به دادن وام به تولیدکننده کوچک ندارند و مشغول بنگاه‌داری خود هستند.

۲	بنگاه‌های تازه تأسیس به دلیل نداشتن سابقه اعتباری جهت اخذ وام برای تأمین مالی پروژه‌ها با مشکل مواجه می‌شوند و تأمین مالی را از راه غیررسمی پیگیری می‌کنند.
۳	شرایط سخت ناشی از رکود و بی‌ثباتی در سیاست‌ها و اثرات تروریسم اقتصادی بر تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات و مبادلات بانکی از سویی و رویارویی با هیولای بدهی و معوقات بانکی، نتیجه‌ای جز کاهش تولید، افزایش بی‌کاری و افزایش سرسام‌آور بدهی بانکی صنعت‌گران و کارآفرینان و در یک‌کلام فقر تولید، در برندارد.
۴	تأمین مالی مبتنی‌بر ضمانت و زمان‌بر بودن آن.
۵	پرداخت وام با نرخ ۳۲٪ فقط در شرایط تورمی مقدور هست.
۶	نرخ‌های بالا در پرداخت سود به‌گونه‌ای شده است که عملاً تولیدکننده برای بانک کار می‌کند.
۷	نبود سرمایه کافی برای نوسازی خطوط تولید، افزایش راندمان و کاهش هزینه‌های مصرفی از قبیل سوخت و انرژی.
۸	اجرای وثیقه در صورت عدم پرداخت اقساط وام از طرف بانک.
قانون‌گذار	
۹	از یک‌سو تولیدکنندگان به دلیل تحریم‌ها قادر نیستند مواد اولیه موردنیاز خود را تأمین کنند و از سوی دیگر با کمبود نقدینگی و بدهی‌های بانکی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.
۱۰	بانک‌ها با تأمین نکردن نقدینگی و از سوی دیگر دریافت سود مرکب (بهره و جریمه دیرکرد) تولید را در کشور متوقف کرده‌اند.
۱۱	با افزایش قیمت ارز، اوضاع بسیاری از تولیدکنندگان که وام ارزی دریافت کرده‌اند بدتر شده چون تسهیلاتی که گرفتند باید چند برابر بیشتر پرداخت کنند.
۱۲	رکود اقتصادی، عدم تزریق نقدینگی از سوی بانک‌ها به بازار، تحریم‌ها و فشار بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات، موانع اصلی رونق تولید هستند.
۱۳	با توجه به عدم اجرای دقیق و سخت‌گیرانه قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی، مدیران عامل بانک‌ها تسلیم خواسته سهامداران می‌شوند.
۱۴	شکاف به وجود آمده بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ تسهیلات با نرخ تورم، باعث عدم بازپرداخت تسهیلات شده است؛ چراکه دریافت تسهیلات و استفاده از آن و در ادامه عدم بازپرداخت آن به‌صرفه است.

۱۵	به‌واسطه ضعف دستگاه قضا در شناسایی و برخورد با تسهیلات گیرندگان متخلف، انگیزه ایشان برای تکرار تخلف، افزایش می‌یابد.
۱۶	در کنار موانع غیرمالی مانند موانع قانونی- فساد اداری- رقابت- سیاست‌های دولت- مدیریت- قوانین مالیاتی- نبود ساختارهای اولیه تولید، مشکلات و موانع مالی در صدر مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار دارد.
۱۷	بنگاه‌های کوچک و متوسط باید به شیوه‌ای فعالیت کنند که در ادامهٔ مسیر رشد، به‌تدریج از حمایت‌های دولت بی‌نیاز شوند. در ابتدای این مسیر، نیاز واقعی به پشتیبانی دولت دارند تا زمانی که به بلوغ برسند و بتوانند روی پای خود بایستند
۱۸	اگر بسته‌های حمایتی دولت در راستای افزایش تولید و توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط در سه بعد مالی، نرم‌افزاری و زیرساختی تقسیم‌بندی شوند، بسته‌های حمایتی زیرساختی در رتبهٔ اول و حمایت‌های مالی در رتبهٔ سوم قرار می‌گیرند
۱۹	بنگاه‌های کوچک و متوسط در قیاس با بنگاه‌های بزرگ از ابزارها و سازوکارهای کمتری برای تأمین مالی خود بهره‌مند هستند و همان ابزارها نیز با سختی بیشتری در اختیارشان قرار می‌گیرد. ازاین‌رو توجه به این بخش به‌خصوص در حوزهٔ تأمین مالی با نظام بانکی بسیار اهمیت دارد.
۲۰	نهادهای مرتبط در امر تولید در تعامل با یکدیگر فضای باثباتی را جهت سرمایه‌گذاری و تولید فراهم کنند به‌طوری‌که تعاملات این نهادها با یکدیگر موجب هم‌افزایی در تولید و رشد اقتصادی شود و با حذف موانع و یا اصلاح قوانین مربوط به اخذ مجوزهای شروع کسب‌وکار، ثبت مالکیت، قانون تجارت، قوانین مربوط به بازارهای مالی و امنیت سرمایه‌گذاری، قوانین مربوط به ورشکستگی و پرداخت دیون، قوانین مربوط به الزام‌آور بودن قراردادها و تجارت بین‌الملل مسیر رونق تولید را هموار سازند.
تأمین مالی کنندگان	
۲۱	منابع بانک‌ها کفاف پرداخت تسهیلات خرد را نمی‌دهد و برداشت از حساب بانک مرکزی برای پرداخت تسهیلات غیرعاقلانه است چراکه طبق قانون بانک‌ها مشمول جریمه ۳۴ درصدی می‌شوند.

۲۲	به‌واسطه کاهش تنوع در محصولات، امکان تفکیک مشتری برحسب ریسک کاسته می‌شود. ازآنجاکه بانک امکان تفکیک مشتریان پرریسک از کم‌ریسک را ندارد، به‌ناچار به سمت قیمت‌گذاری یکسان برای تمام مشتریان می‌رود.
۲۳	باوجود تفاوت بین نرخ سود تسهیلات و تورم افراد حاضر هستند جریمه دیرکرد در پرداخت تسهیلات را بپردازند. حتی در این صورت هم دریافت تسهیلات و پرداخت آن با تأخیر به‌صرفه است.
۲۴	به‌واسطه عدم اعطای اختیار به بانک‌ها، تنوع محصولات و درنتیجه شفافیت در نحوه ارائه آن‌ها پایین خواهد بود. بدیهی است با پایین بودن شفافیت محصولات بانکی، دستگاه نظارتی نیز امکان نظارت دقیق و صحیح را نخواهد داشت.
۲۵	در صورت ایجاد تورم و بالا رفتن هزینه‌های تولید، قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی افزایش می‌یابد و درنتیجه واردات کالا توجیه اقتصادی پیدا می‌کند که استمرار این امر منجر به ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و درنتیجه تضعیف فعالان اقتصادی داخلی و نکول وام‌های دریافتی را به همراه دارد.
۲۶	ازآنجاکه اساس اقتصاد کشور، یک اقتصاد دولتی است و درنتیجه بزرگترین مشتری بالقوه هر بانک، دولت است و به دلیل اینکه دولت به‌واسطه نفوذ فراگیر امکان تحمیل خواسته‌های خود بر بانک‌ها را دارد، بانک‌ها ناچار به دولت وابسته می‌شوند.
۲۷	با افزایش اندازه دولت، نیاز مالی دولت نیز افزایش می‌یابد و درنتیجه دولت مجبور به استقراض از بانک‌ها می‌شود و با افزایش بدهی‌های دولت به‌واسطه پرداخت اصل و سود تسهیلات، درواقع تعهدات دولت روزبه‌روز افزایش می‌یابد.
۲۸	مسئله اصلی نبود یک برنامه‌ریزی شفاف و مدون است که سبب ایجاد وضعیت کنونی شده است. راه‌حلی که برای آن می‌توان متصور شد ایجاد کسب‌وکارهای زودبازده واقعی و دارای برنامه شفاف است نه به‌صورت ظاهری برای اخذ وام و سپس پرداختن به سفته‌بازی.
۲۹	بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسطی که محصولات آن‌ها از بازار فروش قابل قبولی برخوردار باشند و به دلیل عدم وصول مطالبات خود از دستگاه‌های دولتی نتوانسته‌اند بدهی خود به شبکه بانکی را پرداخت کنند از سوی کارگروه‌های استانی به بانک‌های عامل معرفی و در اولویت تخصیص تسهیلات قرارمیگیرند.

۳۰	بنگاه‌های اقتصادی متوقف‌شده به دلیل نبود سرمایه در گردش به‌شرط داشتن طرح توجیهی مناسب که فعالیت مجدد آن‌ها منجر به فروش و سودآوری شود از تسهیلات شبکه بانکی برخوردار می‌شوند.
۳۱	نظام بانکی نقش انکارناپذیری دارد و باید نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت نماید و همان‌طور که می‌دانیم نقدینگی به سمت و سویی می‌رود که بیشترین بازدهی و مطلوبیت را برای صاحب آن ایجاد کند و چنانچه از تولید حمایت شود و سیاست‌گذار بتواند سایر بازارها را سامان بخشیده و نا اطمینانی را به حداقل برساند، سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش می‌یابد
۳۲	ثبات و پیش‌بینی پذیر بودن اقتصاد کلان شرط اولیه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی باهدف افزایش تولید است و لازمه این مهم نیز کاهش نرخ تورم، ثبات نرخ ارز در یک محدوده معقول و منطقی و ثبات در منابع و مصارف بخش‌های دولتی است.

۷-۲. تحلیل چندلایه‌ای کنشگران

با بهره‌گیری از منابع متنوع موجود، از جمله مصاحبه‌ها، اسناد و گزارش‌ها، کنشگران اصلی شناسایی‌شده در مسئله این پژوهش عبارت‌اند از **تولیدکنندگان**، **تأمین‌مالی‌کنندگان** و **قانون‌گذاران** در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط. پس از شناسایی کنشگران، می‌توان برای هر یک از آن‌ها سه مؤلفه اساسی متصور شد:

- انگاره‌ها: دستگاه معرفتی کنشگر برای درک رویدادهای پیرامونی.
- ساختار: مجموعه قواعدی که کنشگر، آگاهانه یا ناآگاهانه، در چهارچوب آن‌ها می‌تواند فعالیت کند.
- رفتار: عملکرد کنشگر که بر اساس درک او از محیط و در چهارچوب قواعد ساختاری شکل می‌گیرد.

با استفاده از الگوی سه‌لایه‌ای کنشگران، روابط میان آن‌ها بر اساس همین لایه‌بندی و در قالب جملات روایی، با رویکردی خلاقانه و نقادانه بیان می‌گردد .بدین‌ترتیب، لایه‌برداری از مسئله پیچیده انجام شده تا ابعاد گوناگون آن روشن و چشم‌انداز آینده ترسیم شود. در این فرایند، پژوهشگر نقش راوی را ایفا کرده و روایت خود را ارائه

می‌دهد؛ روایتی که از نظر نوشتاری شامل شخصیت‌ها، پیرنگ، علیت، درام و تعلیق است و با هدف برجسته‌سازی نقاط کور و پیچیدگی‌های مسئله تدوین شده است.

جدول (۷): الگو سه لایه‌ای تولیدکنندگان

رفتار	• حرکت به سمت تأمین مالی از منابع غیربانکی. • استفاده از تأمین مالی جمعی از اطرافیان در قالب عقد تضامن. • عدم ارائه طرح توجیهی مناسب از سوی تولیدکننده به بانک. • اخذ تسهیلات با نرخ‌های پایین و صرف آن در مسیری به‌غیراز تولید.
ساختار	• نبود توجیه اقتصادی برای تولید. • وجود بوروکراسی‌های زائد و دست‌وپاگیر. • ضعف در چارچوب مناسب برای جریمه‌های بانکی. • نبود ثبات اقتصادی و بروز کارکردهای معیوب ناشی از آن. • استفاده از لابی برای دریافت وام (اصالت رابطه در برابر ضابطه).
انگاره	• اخذ تسهیلات و عدم بازپرداخت آن. • استفاده از تورم به‌عنوان محافظ در برابر ورشکستگی. • اصالت کسب سود حتی با انجام فعالیت‌های سفته‌بازی.

تأمین منابع مالی موردنیاز صنایع کوچک و متوسط در سال‌های اخیر همواره یکی از مشکلات اساسی این بخش در کشور بوده است؛ به‌گونه‌ای که صنعت‌گران و متولیان بخش صنعت در دولت، کمبود نقدینگی را به‌عنوان اصلی‌ترین معضل مطرح کرده‌اند. این کمبود نه‌تنها در خصوص تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، بلکه حتی در برخی موارد درباره تأمین سرمایه در گردش نیز وجود داشته و به‌عنوان مهم‌ترین عامل ناتوانی صنایع در گردش مالی و نوسازی ماشین‌آلات شناخته شده است.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که مشکل نقدینگی از چند منشأ مختلف ناشی می‌شود. برخی از این مشکلات، ریشه در شرایط عمومی اقتصاد کشور دارند و مستقیماً به بازارهای مالی و اعتباری مرتبط نیستند. دسته‌ای دیگر نیز به ضعف بازارهای مالی بازمی‌گردد که این نوع مسائل را می‌توان با ایجاد سازوکارها و تدارکات مناسب در بازارهای مالی و اعتباری برطرف کرد.

جدول (۸): الگو سه لایه‌ای تأمین مالی‌کنندگان

رفتار	• ورود به حوزه‌های کسب‌وکار غیربانکی. • ارائه خدمات سنتی و غیرکارآمد بانکی. • اجتناب از اعطای وام به تولیدکنندگان نوپا. • ارائه تسهیلات خارج از چارچوب قوانین بانک مرکزی. • تعامل با صاحبان نفوذ و قدرت برای تخلف از قوانین. • برخورد یکسان با مشتریان کم‌ریسک و پرریسک در اعطای تسهیلات.
ساختار	• عدم شفافیت در فرآیند اخذ تضامین کافی. • نبود مکانیزم اعتبارسنجی صحیح و دقیق. • فقدان سازوکار روزآمدسازی دانش بانکی. • فرآیندهای زمان‌بر و غیربهره‌ور در ارائه خدمات. • تهاتر بدهی دولت به بانک‌ها از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی. • نبود امکان تفکیک مشتریان و کسب‌وکارها بر مبنای سطح ریسک. • وضع قوانین و مقررات بدون توجه به توان واقعی بانک‌ها در اجرای آن. • فشار بیش‌ازحد بر منابع بانک‌ها که منجر به فرسایش قابل‌توجه سرمایه شبکه بانکی شده است.
انگاره	• عدم تمایل تولیدکنندگان به بازپرداخت وام‌های دریافتی. • بی‌تفاوتی نسبت به عملکرد اقتصادی و مالی بانک. • ناکافی بودن منابع بانک برای پرداخت تسهیلات با نرخ‌های دستوری. • نقش بانک مرکزی در تأمین منافع دولت و بی‌توجهی به شرایط واقعی بانک‌ها.

بانک‌های تجاری، به‌طور سنتی به دلایلی همچون عدم تقارن اطلاعات، فقدان وثیقه و هزینه بالای ارائه خدمات در معاملات کوچک‌تر، بنگاه‌های کوچک و متوسط را به‌عنوان یک چالش می‌نگرند. این بانک‌ها اغلب ترجیح می‌دهند با صنایع بزرگی همکاری کنند که تولیدات آن‌ها تضمین‌شده است؛ درحالی‌که تولیدکنندگان کوچک، که معمولاً آینده‌ای نامطمئن داشته و احتمال ورشکستگی بالایی دارند، کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. در نتیجه، میزان وام پرداختی به این واحدهای کوچک بسیار پایین بوده و تنها زمانی که موقعیت خود را در عرصه تولید تثبیت می‌کنند، بانک‌ها و مؤسسات مالی حاضر به مشارکت مالی با آن‌ها می‌شوند.

بنابراین، درک عوامل مؤثر بر تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیازمند چارچوب تحلیلی دقیقی است که ویژگی‌های قرض‌گیرندگان و شرایط بازارهای فعالیت آن‌ها را در نظر بگیرد. تأمین‌کنندگان مالی در مسئله وام‌دهی به این کسب‌وکارها بر مواردی چون عدم تقارن اطلاعاتی، مسائل کارگزاری، نظارت پرهزینه، رقابت بانک‌ها، مخاطره بالاتر در قرض‌دهی به شرکت‌های کوچک، تنوع کارآفرینان از نظر توانایی و انگیزه، و نیز این واقعیت که کارآفرینان از افزایش ارزش پروژه خود منتفع می‌شوند درحالی‌که بانک‌ها تنها از بازپرداخت وام بهره‌مند می‌گردند، تأکید بیشتری دارند.

جدول (۹): الگو سه لایه‌ای قانون‌گذاران

رفتار	• تحمیل تسهیلات تکلیفی به شبکه بانکی. • عدم حمایت از تخصصی‌سازی بانک‌ها و ایجاد نهادهای مالی متناسب با نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد. • بی‌توجهی به نوآوری و عدم استقبال از ارائه محصولات جدید و متنوع بانکی. • مسامحه در برخورد جدی با تخلفات بانک‌ها. • تضعیف بخش خصوصی و افزایش تعهدات فعلی و آتی دولت. • استقراض دولت از بانک‌ها به‌منظور پرداخت حقوق کارمندان. • الزام بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی به اقشار محروم بدون تأمین منابع پایدار. • تحمیل سیاست‌های پولی به بانک مرکزی و کاهش استقلال آن.
ساختار	• برنامه‌ریزی مقطعی و لحظه‌ای همراه با بی‌توجهی به اثرات بلندمدت سیاست‌ها. • فقدان نظام مؤثر برای دانش‌افزایی و به‌روزرسانی تصمیم‌گیرندگان. • استفاده از ابزارها و قوانین سنتی همراه با فرآیندهای پیچیده و ناکارآمد.
انگاره	• حفظ انسجام نظام بانکی و رسیدگی به مشکلات احتمالی. • عدم دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به تسهیلات ارزان‌قیمت بانکی. • رفع موانع تولید در سیستم اجرایی کشور که تنها با عزم ملی و خواست همگانی محقق می‌شود. • خودداری بانک‌ها از ارائه تسهیلات برای احداث خطوط تولید و در عین حال دریافت سود مرکب (بهره و جریمه دیرکرد) که موجب توقف تولید در کشور شده است.

	• تمرکز بانک‌ها بر کسب سود؛ لزوم ایجاد بستری که هم بانک منتفع شود و هم تولیدکننده واقعی به هدف خود برسد. • اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای صحیح همراه با عارضه‌یابی سریع برای از میان برداشتن موانع

به دلیل اشکالات ساختاری نظیر عدم فراهم‌سازی زیرساخت‌های متعارف برای تولید، نبود ثبات اقتصادی شامل جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی در یک بازه حداقل پنج‌ساله و سپس کاهش تورم، و همچنین عدم حمایت‌های کارشناسی‌شده از صنایع کوچک و متوسط واقعی بر اساس برنامه‌ای مدون با چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت، بخش بزرگی از فعالان اقتصادی به دنبال کسب سود و درآمد کوتاه‌مدت رفته‌اند.

این امر در نظام بانکی به شکل درخواست سپرده‌گذاری با سود بالا یا اخذ تسهیلات با سود پایین بروز پیدا کرده است. بدیهی است که چنین شرایطی فقط در حالت‌های غیرعادی ممکن خواهد بود:

- پرداخت سود بالا معمولاً با نادیده گرفتن قوانین و مقررات ممکن می‌شود.
- پرداخت تسهیلات با نرخ پایین اغلب زمانی رخ می‌دهد که بانک تحت فشار قرار گیرد (تسهیلات تکلیفی) و برداشت آن از بانک مرکزی افزایش یابد که نتیجه‌ای جز افزایش تورم برای کشور ندارد.

در اجرای طرح‌های تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط، دقت در تصویب و رعایت قوانین و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها در هر دو مرحله ضروری است:

۱) مرحله تصمیم‌گیری برای پرداخت وام.
۲) مرحله استفاده از وام توسط دریافت‌کنندگان.

وجود قوانین صحیح و شفاف می‌تواند به مجریان این طرح در شناسایی اهداف واقعی متقاضیان کمک کند. به‌کارگیری کارشناسان مجرب برای بررسی صلاحیت متقاضیان تسهیلات ضروری است تا از سوءاستفاده افراد سودجو جلوگیری شود. با این حال، انتخاب صحیح متقاضیان به‌تنهایی کافی نیست؛ چرا که بسیاری از افراد واجد

شرایط، به دلیل بوروکراسی و کاغذبازی‌های فراوان، از ادامه و تکمیل طرح خود منصرف می‌شوند. بنابراین، حضور ناظران و کارشناسان دقیق در مرحله اجرا نیز الزامی است تا نتایج واقعی استفاده از اعتبارات پرداخت‌شده بررسی و ارزیابی گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای تفکیک مفهوم روایت از سایر مفاهیم، سه شرط آینه کلیت، آینه بازخورد و آینه زمان مطرح و روشی سه‌مرحله‌ای برای تحقق این سه شرط پیشنهاد شد. در مسئله تأمین مالی و هدایت اعتبار به بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌کارگیری این روش، امکان ارائه تصویری جامع از تمام بازیگران کلیدی (آینه کلیت) را فراهم کرد که در بستر زمان (آینه زمان) روابط علّی و معلولی بین آن‌ها تبیین شد (آینه بازخورد). در این روایت، ابتدا کنشگران بر اساس الگوی سه‌لایه‌ای (رفتار، ساختار، انگاره) معرفی شدند و سپس در قالب یک پیرنگ روایی، سیر کشمکش‌ها و تحولات آن‌ها بازگو گردید تا نقاط کور و چالش‌های اصلی به شکلی شفاف و اثرگذار آشکار شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد:

- تولیدکنندگان به دنبال ثبات اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیری افق فعالیت خود حداقل تا دو سال آینده هستند تا بتوانند برنامه توجیهی مناسبی برای کسب‌وکارشان تدوین کنند؛ اما عواملی مانند تورم بالا، عدم ثبات اقتصادی و ناکارآمدی نظام بانکی در شناسایی تولیدکننده واقعی مانع تحقق این هدف شده و آن‌ها را به سمت رفتارهایی نظیر سفته‌بازی برای تأمین اقساط وام سوق داده است.
- تأمین‌کنندگان مالی اغلب با دیده تردید به تولیدکنندگان کوچک و متوسط می‌نگرند، چراکه ریسک عدم بازپرداخت بالاست. برخی ترجیح می‌دهند منابع را صرف ایجاد یا تصاحب بنگاه‌های تحت مالکیت خود کنند و حتی در صورت الزام به اعطای تسهیلات تکلیفی، این منابع را به زیرمجموعه‌های خود تخصیص دهند تا از بازگشت وام اطمینان داشته باشند.

- قانون‌گذاران رشد اقتصادی را وابسته به رونق بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌دانند و آن را مسیری برای افزایش اشتغال و کاهش تدریجی تورم قلمداد می‌کنند؛ به همین دلیل، سیاست اعطای تسهیلات تکلیفی با نرخ‌های پایین را ترویج می‌دهند. با این حال، عدم نظارت کافی بر تخصیص و مصرف این منابع، نه‌تنها اهداف را محقق نکرده بلکه با افزایش نقدینگی، تورم را تشدید کرده است.

محدودیت‌های این پژوهش مشابه مطالعات کیفی دیگر عبارت‌اند از: نیاز به زمان طولانی برای کار با گروه‌های مشارکت‌کننده، وابستگی زیاد به همکاری مستقیم مشارکت‌کنندگان، و اثرپذیری روایت و تحلیل‌ها از دیدگاه‌های پژوهشگر. از آنجا که داستان‌ها ذاتاً چندلایه و مبهم هستند، ارزیابی اعتبار این روش به‌طور کامل اجماعی نیست؛ امید است با کاربرد بیشتر و بررسی صحت پیش‌بینی‌ها در گذر زمان، بتوان اعتبار آن را دقیق‌تر سنجید.

پیشنهادها برای بهبود وضعیت و عملکرد نظام بانکی و پولی:

۱) **مقاوم‌سازی شبکه بانکی:** ارتقای نسبت کفایت سرمایه و اصلاح ساختار دارایی‌ها با تعهد بانک‌ها به بازیابی سرمایه.

۲) **بازنگری در تسهیلات تکلیفی:** اصلاح قوانین و احکام تکلیفی به‌منظور افزایش کارایی تسهیلات بانکی.

۳) **کاهش سلطه مالی دولت بر بانک‌ها:** کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع بانکی و استفاده از روش‌های جایگزین مانند بازار سرمایه.

۴) **افزایش بهره‌وری نظام تسهیلات‌دهی:** اصلاح سیستم اعتبارسنجی و ارزیابی دقیق تسهیلات‌گیرندگان برای کاهش مطالبات غیرجاری.

۵) **ایجاد تعادل میان سیاست‌های پولی و حمایت از تولید:** تنظیم سیاست‌های بانک مرکزی به‌گونه‌ای که ضمن کنترل تورم، بخش‌های مولد اقتصاد با کمبود منابع مواجه نشوند.

کتابنامه

۱) اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۳۹۹). سالنامه آماری. ایران، تهران: بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.

۲) اختیاری، محسن (۱۳۹۶). بررسی عملکرد بانک¬های توسعه¬ای در تعامل با بنگاه¬های کوچک و متوسط و ارائه الگوی تعامل مطلوب (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳) بایرام‌زاده، سونا؛ رضاییان، علی؛ فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ و رجبی‌نهوجی، میثم (۱۳۹۶). ارائه چارچوبی برای روایت پژوهی در مطالعات مدیریت برای مواجهه با مسائل پیچیده. بهبود مدیریت، ۳۶(۱۱)، ۱-۲۷.

۴) خاندوزی، احسان؛ و مقیسه، محسن (۱۳۹۷). نقد برنامه‌های توسعه ایران از منظر ارتباط بخش مالی و واقعی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۸(۹)، ۱۱۵-۱۳۸.

۵) خواجوی، شکراله؛ و گرگانی فیروز جاه، ابوالفضل (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و روش‌های تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *حسابداری و حسابرسی*، ۶(۲۱)، ۲۴-۴۷. DOI: 10.22034/iaar.2014.104396

۶) دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ و آذر، عادل (۱۳۸۸). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع* (چاپ سوم). ایران، تهران: صفار.

۷) درودیان، حسین؛ و سبحانی، حسن (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق‌پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی، *اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۴)، ۳۱-۵۴.

۸) دیواندری، علی؛ زالی، محمد؛ و کولوبندی، محمدمهدی (۱۳۸۸). ارزیابی اثربخشی طرح بنگاه‌های زودبازده، *کار و جامعه*، ۱۰(۱۰۹)، ۴-۱۵.

۹) رائیجی یانسری، سهراب (۱۳۹۹). اثر هدایت اعتبار بر کسب‌وکارهای غیرمالی. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری*.

۱۰) قباشی، نسیم (۱۴۰۲). جایگاه هدایت اعتبار در تأمین مالی تولید با تأکید بر تجارب کشورهای منتخب. *امنیت اقتصادی*، ۱۱(۸)، ۳۵-۵۶.

۱۱) فاطمی زردان، یعقوب؛ و بخشی، احمد (۱۴۰۱). بررسی آثار تسهیلات اعطایی بانک‌ها در متغیرهای کلان اقتصادی. *پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۱۵(۵۴)، ۶۱۸-۵۹۳.

۱۲) فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ و وزیری، جواد (۱۳۹۳). *ساخت درونی قدرت ملی، الگوی سه لایه‌ای و رمزگشایی از پیچیدگی مرکب*. ایران، تهران، معاونت امور راهبردی و اشراف فرماندهی.

۱۳) مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۳). مدیریت پژوهش‌های اقتصادی. ایران، تهران: مرکز پژوهش¬های اتاق ایران.

۱۴) مؤمن‌زاده، محمدمهدی؛ و تقی نتاج، غلام‌حسین (۱۴۰۱). *چالش‌های اساسی راهبری گروهی بنگاه در بانک‌ها و مسئله نقدینگی ناسالم*. ایران، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵) مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۱). پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران. ایران، تهران: مرکز پژوهش¬های اتاق ایران.

۱۶) مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). *سالنامه آماری*. ایران، تهران: مرکز آمار ایران.

۱۷) طبیبیان، محمد (۱۳۹۹). مسئله هدایت نقدینگی به تولید. *جهان صنعت*، شناسه خبر: ۱۲۴۱۹۲.

۱۸) مصطفی‌زاده، آرمین (۱۳۹۴). *الگوی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط تحلیلی بر مفهوم و اهمیت تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط*. ایران، تهران: مرکز پژوهش¬های مجلس شورای اسلامی.

۱۹) نوفرستی، محمد (۱۳۸۴). بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا، *تحقیقات اقتصادی*، ۴۰(۷۰)، ۱-۲۹. DOR: 20.1001.1.00398969.1384.40.3.1.1

Reference

1) Markaz-e Pajoohesh-hā-ye Oṭāq-e Īrān (1403 SH/2024). *Modīriyat-e Pajoohesh-hā-ye Eqtesādī [Management of Economic Research]*. Iran, Tehran: Markaz-e Pajoohesh-hā-ye Oṭāq-e Īrān [in Persian].

2) Qabāšī, N., (1402 SH/2023). Jāygāh-e Hedāyat-e Eʿtebār dar Taʾmīn-e Mālī-ye Towlīd bā Taʾkīd bar Tajāreb-e Kešvar-hā-ye Montaḵab [The Role of Credit Guidance in Financing Production with Emphasis on Selected Countries' Experiences]. *Amniyat-e Eqtesādī [Economic Security]*, 11(8), 35–56 [in Persian].

3) Fāṭemī Zardān, Yaʿqūb & Baḵšī, A., (1401 SH/2022). Barrasī-ye Āṯār-e Tasʼhīlāt-e Eʿṭāʾī-ye Bānk-hā dar Motaghayyir-hā-ye Kalān-e Eqtesādī [Examining the Effects of Bank Loans on Macroeconomic

Variables]. *Pajoohesh-hā-ye Puli-Bānkī [Monetary and Banking Research]*, 15(54), 593–618 [in Persian].

4) Moʾmen-Zādeh, M, M., & Taqī Netāj, Ḡ, Ḥ., (1401 SH/2022). *Čāleš-hā-ye Asāsī-ye Rāhbarī-ye Gorūhī-ye Bongāh dar Bānk-hā va Masʾaleh-ye Naqdīnegī-ye Nā-Sālem [Fundamental Challenges of Corporate Group Governance in Banks and the Issue of Unhealthy Liquidity]*. Iran, Tehran: Bānk-e Markazī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān [in Persian].
5) Markaz-e Pajoohesh-hā-ye Oṭāq-e Īrān (1401 SH/2022). *Pāyesh-e Mellī-ye Moḥīṭ-e Kasb-o-Kār-e Īrān [National Monitoring of Iran's Business Environment]*. Iran, Tehran: Markaz-e Pajoohesh-hā-ye Oṭāq-e Īrān [in Persian].
6) Markaz-e Āmār-e Īrān (1400 SH/2021*). Sālnāmeh-ye Āmārī [Statistical Yearbook]*. Iran, Tehran: Markaz-e Āmār-e Īrān [in Persian].
7) Rāʾījī Yānserī, S., (1399 SH/2020). Aṯar-e Hedāyat-e Eʿtebār bar Kasb-o-Kār-hā-ye Ḡeyr-e Mālī [The Effect of Credit Guidance on Non-Financial Businesses]. Sūmin Konferāns-e Beyn-al-Melalī-ye Modīriyat-e Omūr-e Mālī, Tejārat, Bānk, Eqtesād va Ḥesābdārī [3rd Int. Conf. on Financial Management, Trade, Banking, Economics and Accounting] [in Persian].
8) Oṭāq-e Bāzargānī, Ṣanāyeʿ, Maʿāden va Kešāvarzī-ye Īrān (1399 SH/2020). *Sālnāmeh-ye Āmārī [Statistical Yearbook]*. Iran, Tehran: Oṭāq-e Bāzargānī, Ṣanāyeʿ, Maʿāden va Kešāvarzī-ye Īrān [in Persian].
9) Ṭabībiān, M., (1399 SH/2020). Masʾaleh-ye Hedāyat-e Naqdīnegī be Towlīd [The Issue of Directing Liquidity to Production]. Jahān-e Ṣanʿat [World of Industry], News ID: 124192 [in Persian].
10) Ḵāndūzī, E., & Maqīseh, M., (1397 SH/2018). Naqd-e Barnameh-hā-ye Towseʿeh-ye Īrān az Manẓar-e Ertebāṭ-e Baḵš-e Mālī va Vāqeʿī [Critique of Iran's Development Plans from the Perspective of the Link Between the Financial and Real Sectors]. *Pajoohesh-Nāmeh-ye Enteqādī-ye Motūn va Barnameh-hā-ye ʿOlūm-e Ensānī [Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs]*, 18(9), 115–138 [in Persian].
11) Bāyrām-Zādeh, S., Reżāʾīān, ʿA., Fartūk-Zādeh, Ḥ, R., & Rajabī-Nahūjī, M., (1396 SH/2017). Erāʾeh-ye Čārčūbī barā-ye Revāyat-Pajoohī dar Moṭāleʿāt-e Modīriyat barā-ye Mowājeheh bā Masāʾel-e Pīčīdeh [Providing a Framework for Narrative Research in Management Studies to Address Complex Issues]. *Behbūd-e Modīriyat [Management Improvement]*, 36(11), 1–27 [in Persian].
12) Eḵtiārī, M., (1396 SH/2017). Barrasī-ye ʿAmalkard-e Bānk-hā-ye Towsʿeh-ī dar Taʿāmel bā Bongāh-hā-ye Kūčak va Motavasseṭ va Erāʾeh-ye Algū-ye Taʿāmel-e Maṭlūb (Resāleh-ye Doḵtorī) [Evaluation of Development Banks' Performance in Interaction with SMEs and Providing an Optimal Interaction Model (Doctoral Dissertation)]. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān [in Persian].

13) Dorūdīān, Ḥ., & Ṣobḥānī, Ḥ., (1395 SH/2016). Arzyābī-ye Tojīh-Pazīrī-ye Ḵalq-e Pul be-Vasīleh-ye Sestem-e Bānkī dar Neẓām-e Bānk-dārī-ye Eslāmī [Assessing the Feasibility of Money Creation by the Banking System in the Islamic Banking System]. *Eqtesād-e Eslāmī [Islamic Economics],* 16(64), 31–54 [in Persian].
14) Moṣṭafā-Zādeh, Ā., (1394 SH/2015). *Alg̱ū-ye Taʾmīn-e Mālī-ye Bongāh-hā-ye Kūčak va Motavasseṭ: Taḥlīlī bar Mafhūm va Ahammīyat-e Taʾmīn-e Mālī-ye Bongāh-hā-ye Kūčak va Motavasseṭ [A Financing Model for SMEs: An Analysis of the Concept and Importance of SME Financing].* Iran, Tehran: Markaz-e Pajoohesh-hā-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmī [in Persian].
15) Fartūk-Zādeh, Ḥ, R., & Vazīrī, J., (1393 SH/2014). *Sākht-e Darūnī-ye Qodrat-e Mellī, Alg̱ū-ye Se-Lāyeʾī va Ramzgošāʾī az Pīčīdegi-ye Morakkab [The Internal Structure of National Power, the Three-Layer Model, and Decoding Complex Complexity].* Iran, Tehran: Moʿāvenat-e Omūr-e Rāhbordī va Ešrāf-e Farmāndehī [in Persian].
16) Ḵavājūʾī, Š., & Gorgānī Fīrūz-Jāh, A., (1393 SH/2014). Barrasī-ye Rabṭeh beyn Vežegī-hā-ye Heyʾat-e Modīreh va Revaš-hā-ye Taʾmīn-e Mālī-ye Šerkat-hā-ye Pazīrofteh-Šodeh dar Būrs-e Orāq-e Behādār-e Tehrān [Examining the Relationship Between Board Characteristics and Financing Methods of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange]. *Ḥesābdārī va Ḥesābresī [Accounting and Auditing],* 6(21), 24–47. DOI: 10.22034/iaar.2014.104396 [in Persian].
17) Dīvāndarī, A., Zālī, M., & Kolūbandī, M, M., (1388 SH/2009). Arzyābī-ye Asarbakhšī-ye Tarḥ-e Bongāh-hā-ye Zūd-Bāzdah [Evaluating the Effectiveness of the Quick-Return Enterprise Plan]. *Kār va Jāmeʿeh [Work and Society],* 10(109), 4–15 [in Persian].
18) Dānāʾī-Fard, Ḥ., Alvānī, S, M., & Āzar, Ā., (1388 SH/2009). *Revaš-Šenāsī-ye Pajoohesh-e Keyfī dar Modīriyat: Rūykarī Jāmeʿ* (Čāp-e Sevvom) [Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach (3rd ed.)]. Tehran: Ṣaffār [in Persian].
19) Nowfarastī, M., (1384 SH/2005). Barrasī-ye Taʾsīr-e Sīāsat-hā-ye Puli va Arzī bar Eqtesād-e Īrān dar Čārčūb-e Yek Alg̱ū-ye Eqtesād-Senjī-ye Kalān-e Poyā [Examining the Impact of Monetary and Exchange Rate Policies on Iran's Economy within a Dynamic Macroeconometric Model]. Taḥqīqāt-e *Eqtesādī [Economic Research],* 40(70), 1–29. https://jte.ut.ac.ir/article_13449.html[in Persian].
20) Ntarmah, A. H., Kong, Y., Obeng, A. F., & Gyedu, S. (2022). The role of Bank Financing in Economic Growth and Environmental Outcomes of Sub-Saharan Africa: Evidence from Novel Quantile Regression and Panel Vector Autoregressive Models. *Environmental Science and Pollution Research*, *29*(21), 31807-31845.

21) Dikau, S., & Volz, U. (2023). Out of the window? Green Monetary Policy in China: Window Guidance and the Promotion of Sustainable Lending and Investment. *Climate Policy*, *23*(1), 122-137.
22) Safi Dastjerdi, D., Tayebi, K., & Elahi, N. (2021). Loan Interest Rate Uncertainty and Financing SMEs Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Asset Management and Financing*, *9*(2), 1-20.
23) Bing, X., Shenghong, Zh., & Xiaohui, Ch. (2020). *Uncertainty in Financing Interest Rates for Startups*. *Industrial Marketing Management. Doi: 10.1016/j.indmarman.2020.02.026.*
24) Li, Z., & Zhong, J. (2020). Impact of Economic Policy Uncertainty Shocks on China's Financial Conditions. *Finance Research Letters*, *35*, 101303. Doi: 10.1016/j.frl.2019.101303.
25) Jacab, Z., & Kumhof, M. (2015). "Banks are not Intermediaries of Loanable Funds and why this Matters", *Bank of England Working Paper*. No. 529.
26) Bamberg, M. (2012). APA Handbook of Research Methods in Psychology: Vol. 2. Quantitative, Qualitative, *Neuropsychological, and Biological*, H. Cooper, American Psychological Association. http://dx.doi.org/10.1037/13620-006
27) Lederwasch, A., Mason, L., Daly, J., Prior, T., & Giurco, D. (2011). A Vision for Mining and Minerals: Applying Causal Layered Analysis and art. *Journal of Futures Studies*, *15*(4), 203-224.
28) Liamputtong, P. (2011). Focus Group Methodology: Principle and Practice.
29) Callahan, J. L. (2010). Constructing a Manuscript: Distinguishing Integrative Literature Reviews and Conceptual and Theory Articles. *Human Resource Development Review*, *9*(3), 300-304.
30) Riessman, C. K. (2008). *Narrative Methods for the Human Sciences*. Sage.
31) Basu, S. (2006). 18 The Role of Banks in the Context of Economic Development with Reference to South Korea and India. *A Handbook of Alternative Monetary Economics*, 291.
32) Jackson, M. C. (2016). *Systems thinking: Creative Holism for Managers*. John Wiley & Sons, Inc..
33) Mitchell, M., Egudo M. (2003). A Review of Narrative Methodology. *Published by DSTO Systems Sciences Laboratory* PO Box 1500 Edinburgh South Australia 5111 Australia.
34) Sterman, J., (2000). Business dynamics: *Systems Thinking and Modeling for a Complex World*.
35) Hart, M., & Hanvey, E. (1995). Job Generation and New and Small Firms: Some Evidence from the late 1980s. *Small Business Economics*, *7*(2), 97-109.

36) North, D., & Smallbone, D. (1995). The Employment Generation Potential of Mature SMEs in Different Geographical Environments. *Urban Studies*, *32*(9), 1517-1536.
37) Lincoln, Y.S., Guba, E.G. (1985). Naturalistic Inquiry, Sage, Newbury Park, CA. Liu, K., Salvanes, K. G. & Sørensen, E. Ø. (2012). Good Skills in Bad Times: *Cyclical Skill Mismatch and the Long-term Effects of Graduating in a Recession*. Discussion Paper SAM 16-2012, Norwegian School of Economics.
38) https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2024/11/25/Doc20241125140248145.pdf